نظرات دكتر ... درباره طرح محاسبه‌پذيري اختيار

29 فروردين 1397

1. ايراد منابع طرح
   1. هر دو قيد «اختيار» و «محاسبه» بايد در پيشينه‌شناسي طرح مورد توجه قرار گيرد و تنها منابعي كه واجد هر دو قيد هستند انتخاب و معرفي شوند. منابع معرفي شده فعلي فاقد قيد «محاسبه‌پذيري» مي‌باشند.
   2. مي‌توان گفت پژوهش‌هايي كه تا كنون در ايران صورت پذيرفته فاقد قيد محاسبه‌پذيري براي اختيار مي‌باشند.
   3. در پژوهش‌هاي غربي، منابع زيادي براي اختيار با قيد محاسبه‌پذيري وجود دارد، اگرچه معتقد باشيم نظريات نابه‌جا، نابسنده و ناقص در آن‌ها طرح شده باشد.
   4. چند قيد بايد به منابع زده شود تا مرتّب گردند؛ به عنوان مثال: اختيار از منظر روانشناسي، اختيار از منظر جامعه‌شناسي و اختيار از منظر فلسفه.
   5. در منابع اسلامي نيز تنها در منابع شيعه تفحص صورت پذيرفته است. در حالي كه اختيار در نزد معتزله و اشاعره و باقي اهل سنّت نيز قابل توجه است كه به عنوان يك مسأله مهم از منظر علم كلام بايد در منابع ديده شود. براي توضيح امر بين امرين ناگزير هستيم كه انديشه باقي نحله‌هاي كلامي را نيز ذكر نماييم.
   6. بهتر است به تمامي نحله‌هاي فكري در منابع بپردازيم تا طرح ناقص نماند.
2. ايراد سؤال اصلي
   1. سؤال اصلي طرح قاعدتاً اين بايد باشد كه: آيا اختيار با تعاريف كنوني قابل محاسبه هست يا خير؟
3. اختيار زيست‌شناختي
   1. اختياري كه به فيزيك بدني ارتباط دارد؛ بر هم كنش هورمون‌ها و فيزيولوژي بدن آن را مي‌سازد.
4. اختيار از منظر روانكاوي
   1. از فيزيولوژي وارد قدرت كلام انسان مي‌شود. انسان اگر چه در قيد و بند فيزيولوژي است، اما زبان به او قدرت مي‌دهد تا از اين جبر بيرون بيايد.
5. وجود نحله‌هاي مختلف در فلسفه غرب
   1. فلسفه قاره‌اي
   2. فلسفه تحليلي
      1. وارد مقوله پوزيتيويسم آمريكايي و انگليسي مي‌شويم.
   3. فلسفه‌هاي ماركسيستي
6. وجود دو نحله بزرگ در اعتقاد به اختيار
   1. سازگارباوران
      1. محاسبه‌پذيري و اختيار مي‌توانند با هم سازگار باشند.
      2. انسان مي‌تواند در جهان تعيين‌شده، داراي اخيار باشد.
   2. ناسازگارباوران
      1. دو بخش وجود دارد؛ مكانيسم جهان و غايت‌شناسي جهان.
      2. در ساحت مكانيك، انسان‌ها مجبورند. همان فيزيولوژي بدن. جبر طبيعت حضور دارد.
      3. در ميانه اين مكانيسم، انسان به عنوان يك موجود اگزيستنس - موجودي كه مي‌تواند از خود بيرون بيايد - داراي غايت است. اين غايت سبب مي‌شود كه انسان وارد حوزه اراده آزاد و اختيار گردد.
      4. مفاهيم احتمال، امكان، واقعيت و انتظام در چارچوب اين غايت طرح مي‌شود. آن‌چه مربوط به ماهيت است، انتظام جهان است. آن‌چه مربوط به امكان است اختيار مي‌باشد.
7. اختيار رياضي
   1. نظريه امكان
      1. بر مبناي نظريه فازي است. پيش‌تر از اين توضيح داده‌ام كه فايل‌هاي صوتي آن موجود است.
   2. نظريه اختيار
      1. در حدّ فاصل ميان جبر و صدفه تعريف مي‌شود. شبيه به احتمال توضيح داده مي‌شود. همان‌چه كه در فيزيك كوانتوم انجام مي‌پذيرد.
      2. احتمال آينده به شرط حال بزرگ‌تر از احتمال حال به شرط گذشته باشد. در اين حيطه مي‌توانيم اختيار را محاسبه نماييم.
   3. نظريه صدفه
      1. احتمال حال به شرط گذشته از احتمال حال به شرط آينده كوچك‌تر از يك باشد. نمي‌دانيم آن‌چه تا كنون اتفاق افتاده در آينده نيز اتفاق بيافتد.
   4. نظريه دترمينيسم رياضي
      1. احتمال حال به شرط گذشته يك باشد.
      2. احتمال حال بر مبناي گذشته به شرط گذشته اگر يك باشد اين جبر است. مثلاً: تاسي را پرتاب مي‌كنيم احتمال هر عدد يك ششم است. اما اگر شرط كنيم: احتمال زوج آمدن به شرط اول آمدن. از قبل مي‌دانيم كه اول آمده، حالا چقدر احتمال دارد كه زوج بيايد. فقط سه عدد به عنوان فضاي احتمال لحاظ مي‌شود.
8. اشكال اين نظريات
   1. جزئيّات محاسبه اختيار را بيان نمي‌نمايند و فقط در حدّ كلّيّات است.
   2. آن‌چه به عنوان اختيار گفته‌اند در حقيقت اختيار نيست و صرفاً انتخاب است.
   3. ما يك مسأله دوسويه داريم؛
      1. بعضي سراغ محاسبه اختيار نرفته‌اند
      2. بعضي سراغ محاسبه اختيا رفته‌اند
         1. به شكل ناقصي اين كار را انجام داده‌اند و انتخاب به جاي اختيار بوده است.
9. طبقه‌بندي پيشنهادي
   1. طبقه‌بندي بر اساس رشته علمي
      1. جامعه‌شناسي و علوم سياسي
         1. محاسبه رضايت
         2. رياضيات زيبا
         3. دموكراسي سنجيده
      2. روانپزشكي، روانشناسي و روانكاوي
         1. روانپزشكي ادامه فيزيك و زيست‌شناسي است؛ كاملاً فيزيولوژيك.
      3. توجه به سلسله مراتب علوم
         1. آغاز از رياضيات
         2. فيزيك
         3. شيمي
         4. زيست‌شناسي
         5. روانپزشكي
         6. روانشناسي
         7. روانكاوي
         8. جامعه‌شناسي
      4. كم شدن حضور اختيار با نزديك شدن به پايه‌هاي سلسله مراتب علوم
         1. اختيار در رياضي صفر مي‌شود
         2. اختيار واقعي در علوم اجتماعي مطرح مي‌شود
   2. طبقه‌بندي بر اساس نحله‌هاي فلسفي
      1. تاريخي‌گرايي
      2. انسان‌گرايي
      3. عقل‌گرايي
      4. اراده‌گرايي
         1. شوپنهاور و نيچه
         2. اراده منشأ جهان است
         3. به ديدگاه فرهنگستان نزديك است
      5. سازگارباوري
      6. ناسازگارباوري
      7. فلسفه قاره‌اي
      8. فلسفه تحليلي
10. استفاده از پژوهش‌هاي انجام شده توسط دكتر ...
    1. در معرفي منابع انگليسي محاسبه اختيار
    2. در منابع كلامي اهل سنّت
    3. نوارهاي صوتي تدريس فلسفه غرب
    4. نگارش يك صفحه‌اي از طبقه‌بندي‌هاي پيشنهادي

پايان